

The lived experience of mothers in shared workspaces within mosques and its impact on family and community development

Elahe Yadollahi , PhD student in Health Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: eyadollah@gmail.com

Mahbube Saeedi , PhD student in Industrial Engineering, Islamic Azad University, Science And Research Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: m.saeedi87@gmail.com

Extended Abstract

In recent decades, urban transformations and evolving family structures have led to a decline in face-to-face interactions within neighborhoods, weakening the role of social institutions in supporting families—particularly mothers with young children. This study explores the lived experiences of mothers participating in “Kama,” a mother–child coworking ecosystem established in mosques, and examines its impact on family development as well as neighborhood-level cultural and social growth. The research adopts a qualitative, applied approach using grounded theory methodology to understand how mothers perceive and engage with Kama spaces. Through purposive sampling, in-depth interviews were conducted with 15 participants, including mothers and trained facilitators who have directly experienced this ecosystem. The study investigates how Kama, by operating within mosque environments, creates a supportive platform for mothers and children, fostering personal growth, social participation, and community cohesion.

Findings reveal that Kama coworking spaces offer a unique solution to the dual challenge faced by many mothers; balancing caregiving responsibilities with personal and social development. These spaces allow mothers to remain close to their children while engaging in educational, cultural, and professional activities. The presence of children in a safe, spiritually enriched environment—supervised by trained facilitators—reduces separation anxiety and enhances emotional security, while mothers benefit from peer support, skill-building opportunities, and access to shared resources.

The conceptual framework of the study integrates Bowlby’s attachment theory and Bourdieu’s theory of capital and social fields. At the micro level, Bowlby’s model emphasizes the importance of a “secure base” for children’s emotional and cognitive development. Kama spaces reproduce this secure base by enabling mothers to maintain emotional proximity while pursuing individual goals. This dual engagement fosters curiosity, learning through play, and social growth in children, while mothers experience psychological well-being and empowerment through meaningful interactions with other women.

At the meso level, Bourdieu’s framework positions the mosque as a dynamic social field where various forms of capital—social, cultural, and symbolic—are exchanged. Kama spaces facilitate the accumulation of social capital through moth-

er-led support networks, parenting education, and religious learning. Participation in mosque-based activities enhances mothers' social credibility and symbolic capital, encouraging sustained engagement and leadership within the community.

The interplay between these two levels demonstrates how secure mother–child attachment and the generation of social capital within mosques contribute to broader outcomes: family development and neighborhood-level cultural enrichment. Kama spaces thus serve as catalysts for a virtuous cycle of emotional growth, social empowerment, and community participation.

Strategically, the study identifies key interventions to enhance the effectiveness of Kama spaces. These include mosque design improvements to accommodate mother–child activities, training programs for facilitators, and collaborative efforts with mosque leadership to support women's participation. The research also highlights the importance of redefining motherhood in contemporary Iranian society, where educated, religiously committed women seek to integrate caregiving with social activism.

The study builds on prior research addressing maternal challenges in urban environments. For example, Karami et al. (2022) identified five major obstacles faced by mothers in Tehran's public spaces, including inadequate infrastructure, high costs, and safety concerns. Similarly, Ataol et al. (2022) emphasized the need for integrated urban spaces that support joint mother–child activities, mobility, and community engagement. Kama responds to these needs by offering a localized, mosque-based alternative that is accessible, affordable, and culturally resonant.

Moreover, the research draws on insights from Sadeghi and Shahabi (2019), who argue that shifting societal expectations and increased educational and professional opportunities for women have redefined the meaning of motherhood. Higgins et al. (2004) further demonstrate that role conflict between caregiving and professional aspirations can negatively impact women's mental and physical health. Kama addresses this tension by creating a flexible environment where mothers can pursue personal growth without compromising their caregiving responsibilities.

Methodologically, the study employs grounded theory to extract a paradigm model illustrating the causal, contextual, strategic, and outcome-related dimensions of Kama's impact. The model identifies two core mechanisms—secure attachment and social capital generation—as drivers of positive outcomes, including improved maternal well-being, enhanced child development, and increased community participation.

In conclusion, this research contributes to the discourse on women's social participation by documenting a grassroots initiative that reimagines the role of mosques in contemporary urban life. Kama coworking spaces empower mothers to engage in meaningful activities while nurturing their children in spiritually and socially supportive environments. The findings underscore the potential of mosque-based interventions to strengthen family bonds, promote gender-inclusive community development, and revitalize the cultural relevance of religious spaces.

Keywords: Coworking space, Kama, mothers, children, mosques, family growth.



تجربه زیسته مادران در فضای کار اشتراکی در مساجد و تأثیر آن بر رشد خانواده و محلات

الهه یداللهی^۱، محبوبه سعیدی^۲

چکیده

این پژوهش باهدف بررسی تجربه زیسته فضای کار اشتراکی مادران و کودکان «کاما» در مساجد انجام گرفته است. پژوهش به صورت کاربردی، کیفی و با استفاده از روش گراند تئوری اجرا شد تا درک و برداشت مادران درباره استفاده از فضای کار اشتراکی مادر و کودک «کاما»، بررسی شود. همچنین در این تحقیق بررسی می شود تا چه اندازه «کاما» با حضور در مساجد، موفق به ایجاد بستری برای رشد و تعالی خانواده و ارتقای سطح فرهنگی و اجتماعی محلات می گردد. نمونه گیری به صورت هدفمند و با انجام مصاحبه های عمیق با ۱۵ نفر از افرادی که این زیست بوم را مستقیماً تجربه کرده اند، انجام شده است. از جمله عوامل علی و زمینه ای، چالش های اجتماعی و فرهنگی مادران، تأثیرات محیطی بر رشد و توسعه کودکان و نیاز به ایجاد محیط های حمایتی برای مادران و کودکان است. راهبردها شامل شناسایی و بهبود استراتژی ها و مداخلات برای حمایت از مادران و کودکان، بهبود و طراحی فضاهای مساجد به منظور تسهیل فعالیت ها برای مادران و کودکان و تقویت فرهنگ مشارکت است. برقراری فضاهای کار اشتراکی مادر و کودک «کاما» در مساجد، سبب بهبود در فرایند جذب مخاطب برای مسجد، افزایش مشارکت های اجتماعی مادران، تثبیت و رشد علاقه به مسجد و فرهنگ اسلامی در دل کودک و بهبود کیفیت زندگی مادران و کودکان شده است. این عوامل، راهبردها و نتایج می توانند زمینه ساز توسعه و بهبود مشارکت اجتماعی و فرهنگی مادران و کودکان در مساجد و محله های مختلف باشند.

واژگان کلیدی

فضای کار اشتراکی، کاما، مادران، کودکان، مساجد، رشد خانوادگی.

در دهه‌های اخیر، تحولات شهری، رشد خانواده و کاهش ارتباطات چهره‌به‌چهره میان اعضای محله‌ها، موجب تضعیف نقش نهادهای اجتماعی در حمایت از خانواده‌ها، به‌ویژه مادران دارای کودک خردسال شده است (Giddens, 2006)؛ همیشه پیدا کردن یک محیط امن و مناسب برای نگهداری از کودک، از دغدغه‌های مادران دانشجو و فعالان اجتماعی بوده است. یکی از گزینه‌های مطلوب این مادران، فضایی است که مادر در نزدیکی فرزندش، حضور داشته باشد که متأسفانه تعداد این مراکز بسیار محدود و استفاده از خدمات آن‌ها با هزینه بالایی همراه است. شایان‌ذکر است که این نیاز برای مادرانی که کودکان کوچک‌تر دارند یا هنوز وابستگی زیادی به مادر وجود دارد، پررنگ‌تر خواهد بود. حضور هم‌زمان مادر و کودک در محیط‌های تربیتی، پیوند عاطفی میان آن‌ها را تقویت کرده و اضطراب جدایی را کاهش می‌دهد (Bourdieu, 1986). این امر، از منظر رشد روانی کودک در سال‌های ابتدایی زندگی بسیار حیاتی است (Shonkoff, & Phillips, 2000). از طرفی با کم‌شدن ارتباطات خانوادگی و کاهش تعداد فرزندان، یافتن هم‌بازی مناسب برای خانواده‌ها، کار آسانی نیست؛ فلذا به مراکزی نیاز است که مادر را همراه با کودکش بپذیرد، دسترسی راحتی داشته و استفاده از خدمات آن ارزان باشد.

گروه «کاما» به همت جمعی از مادران جهادی علاقه‌مند به فعالیت در عرصه کنشگری مادران، توانست در چند مسجد و دارالقرآن همراه، فضاهای اشتراکی مادر و کودک کاما را تأسیس کند؛ مساجدی که هیئت‌امنا و امام جماعتی همراه و دغدغه‌مند برای حمایت از مادرهای جامعه دارد. دغدغه دیگر این گروه، بازگشت به عصری است که مساجد علاوه بر برگزاری نماز، سنگرهایی برای پشتیبانی همه‌جانبه جامعه در ایام جنگ بودند. در هر مسجد باید به صحبت امام خمینی (ره) توجه شود؛ «مسجد، محلی است که از آن باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این، مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. این‌طور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مساجد می‌خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است» (امام موسوی خمینی، ۱۳۵۹).

فضای اشتراکی مادر و کودک کاما، فرصت مناسبی برای مادران است که در مکانی محلی مانند مسجد، حسینیه و دارالقرآن، به فعالیت‌هایی مثل سیر مطالعاتی، درس خواندن و کارهای پژوهشی بپردازند و در دوره‌های مهارتی و دانش‌افزایی نیز شرکت کنند. با هم‌افزایی حاصله فی‌مابین مادران در محله، فعالیت‌های اجتماعی نیز در مسجد و محله

تعریف می‌گردد؛ این چنین پررنگ‌ترین مأموریت «کاما» که مسئله کنشگری مادران است، با تشویق جوامع محلی به مشارکت بیشتر در برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی که در مساجد برگزار می‌شود تحقق می‌یابد. از سویی، فرزندان ایشان نیز در فضایی معنوی و دل‌نشین در مجاورت هم‌بازی‌ها و همسالانشان، دوره کودکی شادی را سپری می‌کنند و با ارزش‌های معنوی نیز بیشتر مأنوس می‌شوند.

وابستگی کامل کودک به مادر از خصوصیات اصلی کودکان زیر هفت سال است، به‌علاوه توان یادگیری کودک در این دوره، بسیار بالا است و بسیاری از مفاهیم تربیتی را می‌توان در این دوره با روش‌های مناسب و غیرمستقیم به کودک منتقل کرد. این دوره سنی، ایامی است که عوامل اثرگذار محدود به خانواده و رسانه است و می‌توان علاوه‌برآن، مسجد را نیز به‌عنوان مکانی با نمادهای ناب اسلامی اضافه نمود، چراکه کودک هنوز وارد فضای مدرسه نشده است. کاما در مساجد این فرصت را پیدا کرده که بذره‌های ایمان را با یک نظام تربیتی منسجم در قلب فرزندان بکارد.

با اینکه کودکان به‌عنوان مخاطب اصلی مساجد از حیث مکلف بودن نیستند؛ اما کاما، بستری را فراهم می‌کند تا تعداد زیادی از مادران نیز به مخاطبان اصلی مساجد بپیوندند. از برکت شکل‌گیری جمع دوستانه و مؤمنانه مادران، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی زیادی قابلیت اجرایی شدن پیدا کرده است و کنشگری اجتماعی مادران هم در محله بیشتر می‌شود. فضای کار اشتراکی مادران و بازی کودکان کاما، محیطی است که در آن، بچه‌ها زیر نظر مربی متخصص بازی می‌کنند و آموزش‌های غیرمستقیم متناسب با سنشان را می‌بینند و مادران نیز در فضای فراهم شده، فعالیت‌هایی را که برای رشد فردی و اجتماعی خودشان تعریف کرده‌اند، انجام می‌دهند. در این فضا در کنار فرصتی که مادران برای خواندن قرآن، ادعیه و کتاب‌های مختلف خواهند داشت، مادران هنرمند نیز از این فرصت استفاده می‌کنند تا به کارهایی نظیر نقاشی، گلدوزی، طراحی یا حتی کشیدن الگوی خیاطی و... بپردازند. ضمن آن که مادران متخصصی نیز هستند که از تخصص خودشان برای کمک به مادران دیگر استفاده می‌کنند، نظیر مادر پزشک یا روان‌پزشکی که ویزیت می‌کند و مادر متخصصی که برای بقیه، کلاس و کارگاه تخصصی می‌گذارد.

در این بستر مادرانی که علاقه‌مند به ادامه تحصیل هستند، فرصت مطالعه برای کنکور را خواهند داشت، آن‌هم بدون استرس نگهداری فرزند و همچنین، عزیزان پایان‌نامه و کارهای پژوهشی خود را تکمیل می‌کنند. برنامه‌های هدفمندی برای رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی فرزندان در قالب بازی اجرا می‌گردد؛ فعالیت‌هایی چون: بازی‌های

هدفمند حرکتی، خلاقیتی، دست‌ورزی، انس با طبیعت، مفاهیم دینی و
در دنیای معاصر، مستندسازی و درک عوامل مختلفی که بر مشارکت اجتماعی زنان تأثیر می‌گذارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی نه تنها به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها می‌انجامد، بلکه تغییرات فرهنگی و اجتماعی مثبتی را نیز ایجاد می‌کند. به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، شناسایی و تحلیل عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی می‌تواند به عنوان محور اصلی برای طراحی راهبردهای مؤثر به منظور افزایش مشارکت زنان در جامعه محسوب شود.
با توجه به مدل پیشنهادی که شامل عوامل علی، زمینه‌ای، راهبردها و نتایج است، مسائل تحقیقاتی به عینه قابل شناسایی هستند. این پژوهش، به دنبال پاسخ به چند سؤال کلیدی است:

مادران چگونه تجربه خود از حضور در فضای کار اشتراکی مادر و کودک کاما در مساجد را توصیف می‌کنند؟

این تجربه چه تأثیری بر نقش‌ها، سلامت روان و توانمندی‌های مادران در خانواده دارد؟ فضای کار اشتراکی در مساجد چه پیامدهایی برای رشد اجتماعی و فرهنگی کودکان و خانواده‌ها ایجاد می‌کند؟

چگونه این تجربه به شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی در سطح محله کمک می‌کند؟
این سؤالات، محور اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهند و به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در مسیر توانمندسازی و افزایش مشارکت مادران در فعالیتهای مساحد کمک خواهند کرد.

پیشینه پژوهش

فضای کار اشتراکی مهم‌ترین ملاحظه مفهومی این پژوهش است، این مفهوم به‌عنوان فضایی تعریف می‌شود که در آن مادران و کودکان می‌توانند هم‌زمان از امکانات آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بهره‌برداری کنند. این فضا باید ویژگی‌های خاصی داشته باشد که ضمن فراهم‌کردن محیطی برای فعالیت‌های اجتماعی مادران، نیازهای تربیتی و روانی کودکان را نیز برآورده کند. رشد خانوادگی به معنای فرایندهای تربیتی و اجتماعی است که در آن مادران و کودکان از طریق تعاملات مستمر در فضایی حمایتی به تکامل فردی و اجتماعی می‌رسند. در این پژوهش، توجه به رشد خانوادگی در بستر فضاهای کار اشتراکی در مساجد اهمیت ویژه‌ای دارد.

رشد اجتماعی - فرهنگی محله‌ها نیز ملاحظه دیگری است. فضاهای کار اشتراکی مادران و کودکان می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای تقویت روابط اجتماعی و فرهنگی در سطح محله‌ها عمل کنند. این رشد اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به توسعه مشارکت‌های اجتماعی، تقویت هویت محلی و بهبود کیفیت زندگی در سطح محله کمک کند. نقش مساجد نیز پررنگ لحاظ می‌شود. مساجد به‌عنوان مکان‌های مذهبی و فرهنگی می‌توانند فرصتی برای گسترش فعالیت‌های اجتماعی مادران و کودکان فراهم کنند. طراحی فضاهای مناسب در مساجد می‌تواند به ایجاد فضایی مناسب برای رشد فردی و اجتماعی اعضای خانواده کمک نماید.

چگونگی برقراری تعادل میان نقش‌های خانوادگی، رشد فردی و مسئولیت‌های اجتماعی، مسئله‌ای عمومی است که در این برهه زمانی، یکی از دغدغه‌های مهم مادران، تجمع دو وظیفه خطیر مادری و فعالیت و رشد فردی اجتماعی‌شان است. درواقع، برقراری تعادل بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی، برای مادران تحصیل‌کرده دین‌دار، مسئله‌ای جدی است که فراتر از چالش‌های نظری، پیچیدگی‌ها و دشواری‌های عملی را در پی دارد. هدف پژوهش خادمی و همکاران (۱۴۰۲)، کشف پاسخ‌هایی کاربردی پیرامون چگونگی ایجاد توازن بین نقش‌های خانوادگی و کنشگری‌های اجتماعی است. تأکیدات اخیر بر خطر پیری جمعیت و الزام به فرزندآوری بیشتر در میان قشر مذکور، بر ضرورت این تحقیق می‌افزاید. بدین ترتیب با اتخاذ رویکرد کیفی، با بیست‌وشش نفر از بانوان متولد دهه شصت - که علاوه بر نقش‌های مادری و همسری، کنشگری اجتماعی قابل‌توجهی داشتند - مصاحبه عمیق صورت گرفت و از روش تحلیل مضمون، برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. در بخش یافته‌ها، عوامل تنظیم‌کننده نقش‌ها در ۴ شبکه مضمون کشف شده، شامل عوامل فردی تنظیم‌کننده نقش‌ها، راهبردهای زمینه‌ای، راهبردهای موقعیتی و راهبردهای حمایتی سازمان یافته است و درنهایت، الگوی مفهومی تنظیم نقش‌ها ترسیم گردید که مهم‌ترین مزیت آن، انطباق‌پذیری با مختصات زندگی افراد و سیالیت آن است. کما نیز به دنبال ایجاد فضا و امکانی برای این دغدغه مادران است تا بتوانند بدون جداشدن از فرزندشان و آسیب به خانواده، مجالی برای پرداختن به فعالیت‌های اجتماعی داشته باشند. امروزه تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، زمینه‌ساز افزایش حضور زنان در فضای شهری شده است؛ اما برخی نیازهای زنان، به‌ویژه در نقش مادری در طراحی‌های شهری، موردتوجه قرار نگرفته و حضور آنان در فضای شهری را با دشواری‌هایی مواجه ساخته است.

کرمی و همکاران (۱۴۰۱) به مطالعه چالش‌های مادری در فضای شهری با روش کیفی پرداخته‌اند؛ جامعه هدف پژوهش، شامل مادران ساکن شهر تهران بوده است که پانزده نفر از آنان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس ملاک رسیدن به اشباع داده‌ها انتخاب شده‌اند. داده‌ها از طریق مصاحبه، گردآوری و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، تحلیل شده است. درمجموع، مادران تجربه رضایت بخشی از حضور در فضای شهری ندارند و با چالش‌هایی مواجه‌اند که شامل پنج مقوله اصلی «عدم تناسب فراوانی امکانات فضای شهری با جمعیت»، «عدم تناسب طراحی امکانات و فضاهای شهری با نیازهای مادر و کودک»، «هزینه‌بر بودن استفاده از امکانات فضای شهری»، «آلودگی‌های فضای شهری» و «احساس نگرانی از حضور در شهر» است. در پایان نیز راهکارهایی برای رفع چالش‌ها، پیشنهاد شده است.

کاما به دنبال هم‌زمان حل دو مسئله است؛ پویایی مادران در فضای شهری و رونق مساجد در محلات که بهترین راه‌حل، صحبت با هیئت‌امانی مساجد و ائمه جماعت است. آتائول و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای نشان دادند استانبول در حمایت از کودکان خردسال و مادرانشان در سه حوزه موفق نیست: دسترسی به فضایی که امکان فعالیت‌های مشترک مادران و فرزندانشان را برای بازی و اجتماعی شدن فراهم کند؛ آزادی تحرک شامل پیاده‌روی و استفاده از سیستم حمل‌ونقل عمومی و مشارکت در اجتماع. همچنین به این موضوع پرداخته‌اند که باتوجه به اینکه وظایف مراقبتی مادران، چارچوب زندگی روزانه آن‌ها را تشکیل می‌دهد، زندگی روزمره شهری کودکان خردسال شامل رویدادهای درهم‌تنیده مادران و کودکان است؛ بنابراین، فضاهای شهری که فعالیت‌های کودکان خردسال و مادر را ادغام می‌کنند، کارایی و آرامش ذهنی را هم برای مادران و هم برای کودکان در زندگی روزمره آن‌ها فراهم می‌نمایند.

صادقی و شهابی (۱۳۹۸) نیز معتقدند در جامعه ایران، با توجه به تغییرات نگرشی و افزایش گزینه‌های پیشرفت زنانه از جمله تحصیل و اشتغال، معنا و مفهوم مادری، بازتعریف شده است و بیشتر زنان دانشجوی و شاغل با هزینه‌های فرزندآوری و تضادهای نقشی شغلی و مادری روبرو هستند. هگینز و همکاران^۲ (۲۰۰۴) نشان داده‌اند که تعارض مذکور بر سلامت جسمی و روانی افراد نیز تأثیرگذار است.

در مواردی که توانایی ادغام و هماهنگی میان الزامات نقش‌های مختلف وجود دارد، فرد می‌تواند بدون احساس فشار و تنش، نقش‌های خود را توسعه دهد. بخشی که در

1. Ataol & et al

2. Higgins & et al

کاما به آن توجه ویژه‌ای شده است. در این رویکرد که به منافع حاصل از نقش‌های متعدد زنان اشاره می‌شود، تکثر نقش‌های زنانه، موجب دسترسی به منابعی مانند امنیت، منزلت، ارتقا پایگاه اجتماعی و برخورداری بیشتر از حمایت اجتماعی می‌شود. باید توجه داشت تمرکز بر مادران و توجه به کنشگری اجتماعی به جای اشتغال صرف به پر کردن برخی خلأهای نظری این حیطه یاری می‌رساند. در بررسی‌های انجام شده در پژوهش‌های پیشین، مطالعه‌ای میدانی که به موضوع چالش‌های مادران و زیست‌بوم تعریف شده‌ای برای ایشان در مساجد پرداخته باشد، یافت نشد. از این رو با توجه به ضرورت پرداختن به این چالش‌ها از منظر کنشگران اصلی (مادران)، پژوهش پیش‌رو با روش کیفی به مطالعه فضای کار اشتراکی مادران و بازی کودکان کاما در مساجد پرداخته است.

چارچوب مفهومی

مدل مفهومی این پژوهش بر پیوند دو بنیان نظری استوار است: نظریه دلبستگی بولبی^۱ و چارچوب سرمایه و میدان بوردیو. این تلفیق نظری، امکان تحلیل هم‌زمان روابط عاطفی در سطح خرد (مادر و کودک) و روابط اجتماعی در سطح میانی (مسجد و شبکه‌های محلی) را فراهم می‌سازد.

در سطح خرد، نظریه دلبستگی بولبی (Bowlby, 1988) بر نقش «پایگاه امن» در رشد هیجانی و شناختی کودک تأکید دارد. حضور هم‌زمان مادر و کودک در فضای اشتراکی کاما، این پایگاه امن را بازتولید می‌کند؛ به گونه‌ای که مادر، ضمن انجام فعالیت‌های فردی یا اجتماعی، با حفظ ارتباط عاطفی مؤثر، احساس امنیت و آرامش را برای کودک فراهم می‌آورد. این تعاملات، به کاهش اضطراب جدایی، افزایش کنجکاوی، بازی‌های یادگیری‌محور و رشد اجتماعی کودک منجر می‌شود. از سوی دیگر، مادر نیز در تعامل با سایر مادران و در بستر حمایتی مسجد، احساس تعلق، آرامش روانی و توانمندسازی شخصی را تجربه می‌کند.

در سطح میانی، بر اساس نظریه بوردیو^۲ (Bourdieu, 1986)، مسجد به مثابه یک میدان اجتماعی عمل می‌کند که در آن انواع سرمایه‌ها (اجتماعی، فرهنگی و نمادین) میان کنشگران مبادله می‌شود. این فضا از طریق ایجاد شبکه‌های همیاری مادرانه، ارتقای دانش فرزندپروری و بازآفرینی معارف دینی، به تولید و انباشت سرمایه اجتماعی در سه سطح پیوندی، پل‌زن و ارتباطی کمک می‌کند. همچنین، اعتماد و اعتبار اجتماعی حاصل

از مشارکت در فعالیت‌های مسجد، شکل‌گیری سرمایه نمادین را در پی دارد که به استمرار مشارکت اجتماعی منجر می‌شود.

پیوند این دو سطح (خرد و میانی) نشان می‌دهد که دلبستگی ایمن کودک و توانمندسازی مادر در تعامل با انباشت سرمایه اجتماعی و فرهنگی در مقیاس محله تحقق می‌یابد. نتیجه این فرایند، شکل‌گیری چرخه‌ای مثبت از رشد فردی و خانوادگی، افزایش رفاه روانی و اجتماعی و ارتقای مشارکت فرهنگی در سطح محلی است. به بیان دیگر، فضای اشتراکی مادر و کودک در مسجد، هم‌زمان موجب رشد عاطفی و شناختی کودک، سلامت روان مادر و توسعه اجتماعی - فرهنگی محله می‌شود.

بر اساس روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد (Corbin & Strauss, 2008)، مدل پارادایمی استخراج‌شده از داده‌های پژوهش، روابط میان مؤلفه‌های علی، زمینه‌ای، راهبردی و پیامدی را نشان می‌دهد. مدل مفهومی (شکل ۱) گویای مسیر علی اثربخشی فضای اشتراکی کاما است که در آن، دلبستگی ایمن مادر و کودک و تولید سرمایه اجتماعی در مسجد، به‌عنوان دو سازوکار کلیدی، به تحقق نتایج نهایی یعنی رشد خانواده و توسعه اجتماعی-فرهنگی محله منجر می‌شوند.

روش پژوهش

این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی است. هدف این تحقیق بررسی و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی مادران در فعالیت‌های مساجد به کمک فضای کار اشتراکی کاما است. به‌طور خاص، بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی بر مشارکت مادران در فعالیت‌های اجتماعی مربوط به مساجد، شناسایی چالش‌ها و موانع موجود در راه مشارکت مادران و همچنین فرصت‌هایی که می‌تواند به افزایش این مشارکت منجر شود و نیز ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی مادران در محیط‌های مذهبی و اجتماعی به‌منظور ارتقای سطح مشارکت ایشان. این اهداف در نهایت به بهبود شرایط زندگی مادران و تقویت جایگاه آن‌ها در جامعه کمک خواهد کرد و امید است این تحقیق گامی در راستای شناسایی بیشتر چالش‌های مادران و ارائه راهکاری برای رفع چالش‌ها و ایجاد بستری برای رشد و تعالی خانواده بردارد.

این کار با انجام پژوهش کیفی از نوع نظریه داده‌بنیاد (گراندد تئوری) که شیوه آن اکتشافی است، انجام شد. در این پژوهش از طریق بررسی ادبیات و مصاحبه اکتشافی نسبت به شناسایی عوامل مؤثر بر اثربخشی فضای کار اشتراکی مادر و کودک کاما در

مساجد محلات از روش برخاسته از داده‌ها و به شیوه تحلیل محتوا (کدگذاری واحد تحلیل، مقوله‌ها و واحد ثبت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

بدین منظور، ۱۵ فرد شامل ۱۰ مادر و ۵ مربی به روش نمونه‌گیری هدفمند در فضای کار اشتراکی مادر و کودک کاما انتخاب شدند و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و باز صورت گرفت. مربی‌ها معمولاً دارای تجربه و دانش علمی در زمینه‌ی موضوعاتی هستند که به آن‌ها مرتبط می‌شود. این تجربه می‌تواند به درک بهتر چالش‌ها و موفقیت‌های مربوط به موضوع تحقیق یاری نماید. سیمای مصاحبه‌شوندگان از نظر سن، تحصیلات و تعداد فرزند در جدول شماره یک آمده است. ضمن آنکه نوع مصاحبه‌کننده (مادر / مربی) و همچنین حرف اول اسم و فامیل ایشان نیز در داخل پرانتز درج گردیده است. پس از ضبط مصاحبه‌ها، داده‌ها مکتوب شدند و به صورت کلمه به کلمه، مورد تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۱. سیمای مصاحبه‌شوندگان

نوع مصاحبه‌کننده	سن	تحصیلات	تعداد فرزند
مادر (م. ۱. س)	۳۵	دکتری	۳
مادر (م. ۲. ط)	۳۷	کارشناسی ارشد	۲
مادر (م. ۳. ف. ن)	۳۲	کارشناسی	۲
مادر (م. ۱. ۴. ی)	۳۵	دکتری	۲
مادر (م. ۵. ف. س)	۲۹	کارشناسی ارشد	۲
مادر (م. ۶. س. م)	۳۰	کارشناسی ارشد	۲
مادر (م. ۷. د)	۲۷	کارشناسی	۱
مادر (م. ۸. ن. ا)	۳۰	کارشناسی	۲
مادر (م. ۹. ع)	۳۸	کارشناسی ارشد	۳
مادر (م. ۱۰. ش)	۲۶	کارشناسی ارشد	۱
مربی (م. ۱. ک)	۳۲	دیپلم	۱
مربی (م. ۲. س)	۲۷	کارشناسی	۰
مربی (م. ۳. ن. ا)	۲۸	کارشناسی	۰
مربی (م. ۴. ف. ن)	۴۰	دیپلم	۳
مربی (م. ۵. ف. م)	۳۸	کارشناسی ارشد	۲

مراحل کدگذاری در نظریه داده‌بنیاد که کدگذاری باز^۱ در گام اول و کدگذاری محوری^۲ در گام دوم و کدگذاری انتخابی^۳ در گام آخر است بر روی مصاحبه‌های پیاده‌سازی شده اجرا شد. فرایند کدگذاری بر اساس یافته‌های تحقیق

۱. کدگذاری باز:

این مرحله شامل استخراج مفاهیم اولیه از داده‌های تحقیق است. هر جمله یا عبارت کلیدی به یک مفهوم تبدیل شده است.

۲. کدگذاری محوری:

در این مرحله، کدهای باز مرتبط به دسته‌بندی‌های مفهومی یا مقوله‌های محوری سازمان‌دهی شدند. این کدگذاری در جدول شماره دو لحاظ شده است.

جدول ۲. نمونه کدگذاری محوری

مقوله محوری	کدهای مرتبط
آرامش و کارآمدی فضای مسجد	فضای نورانی و آرام‌بخش مسجد، فضای بزرگ‌تر و مناسب‌تر نسبت به مهدکودک‌ها
دل‌بستگی ایمن کودک به مادر	حضور مادر در کنار کودک، کاهش اضطراب کودک، تسهیل فرایند جدایی
رشد اجتماعی و اخلاقی کودکان	انس کودکان با فضای معنوی مسجد، ارتباط با نمازگزاران، تأثیر مثبت شنیدن اذان
تسهیل فرزندپروری	آموزش غیرمستقیم، تقویت مهارت‌های بازی هدفمند، ارائه دوره‌های فرزندپروری
شبکه‌سازی و هم‌افزایی محلی	ایجاد شبکه‌های اجتماعی میان مادران، مشارکت در فعالیت‌های محله‌ای
دسترسی عادلانه و کاهش هزینه‌ها	بهره‌برداری از امکانات مساجد، کاهش هزینه‌ها، نزدیکی به محل سکونت
تقویت روحیه مادری و سلامت روان	حمایت از مادران، تقویت اعتمادبه‌نفس، تأکید بر آموزه‌های دینی

کدگذاری انتخابی:

در این مرحله، یک مقوله اصلی به‌عنوان «پدیده محوری» انتخاب شد و ارتباط تمامی مقوله‌های محوری با آن مشخص شد. نتایج نهایی در جدول شماره سه آمده است.

جدول ۳. نمونه جدول نهایی کدگذاری‌ها

کدگذاری انتخابی (پدیده اصلی)	کدگذاری محوری (مقوله‌ها)	کدگذاری باز (مفاهیم)
اثربخشی فضای کار اشتراکی مادر و کودک	آرامش و کارآمدی فضای مسجد	فضای نورانی و آرام‌بخش مسجد
	آرامش و کارآمدی فضای مسجد	فضای بزرگ‌تر و مناسب‌تر مسجد
	دل‌بستگی ایمن کودک به مادر	حضور مادر در کنار کودک
	دل‌بستگی ایمن کودک به مادر	کاهش اضطراب کودک
	رشد اجتماعی و اخلاقی کودکان	انس با فضای معنوی مسجد
	رشد اجتماعی و اخلاقی کودکان	ارتباط با نمازگزاران
	رشد اجتماعی و اخلاقی کودکان	شنیدن اذان و تأثیر مثبت آن
	تسهیل فرزندپروری	آموزش غیرمستقیم
	تسهیل فرزندپروری	تقویت مهارت‌های بازی هدفمند
	شبکه‌سازی و هم‌افزایی محلی	ایجاد شبکه‌های اجتماعی میان مادران
	شبکه‌سازی و هم‌افزایی محلی	مشارکت در فعالیت‌های محله‌ای
	دسترسی عادلانه و کاهش هزینه‌ها	کاهش هزینه‌ها
	دسترسی عادلانه و کاهش هزینه‌ها	نزدیکی به محل سکونت
	تقویت روحیه مادری و سلامت روان	تقویت اعتمادبه‌نفس مادران
	تقویت روحیه مادری و سلامت روان	تأکید بر آموزه‌های دینی

پدیده محوری اثربخشی فضای کار اشتراکی مادر و کودک در مساجد در بهبود سلامت روان، رشد اجتماعی کودکان، و تقویت انسجام محله‌ای است. ارتباط مقوله‌ها با پدیده محوری بدین صورت است:

- عوامل علی: نیاز به فضاهای معنوی و کارآمد، چالش‌های روانی مادران و کودکان.
- شرایط زمینه‌ای: دغدغه‌های مادری در فضای شهری، محدودیت دسترسی به امکانات امن و کم‌هزینه، نیاز به هم‌بازی و تعاملات اجتماعی کودک.
- شرایط مداخله‌گر: حضور مادر، انگیزه مربیان، آموزش‌های هدفمند.
- راهبردها: ایجاد فضای کار اشتراکی در مساجد (کاما)، بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای محلی و مذهبی، تقویت شبکه‌های حمایتی میان مادران.

- فرایندها: شکل‌گیری دلبستگی ایمن مادر - کودک (بولبی) از طریق حضور هم‌زمان مادر و کودک؛ توسعه سرمایه اجتماعی (بورديو) از طریق مشارکت جمعی، همیاری و فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی.
- پیامدها: ارتقای سلامت روان و توانمندی مادران، رشد اجتماعی و معنوی کودکان، بازتعریف نقش مسجد به‌عنوان نهادی فرهنگی - اجتماعی و توسعه پایدار سرمایه اجتماعی در محله.

این فرایند به‌صورت جامع تحلیل داده‌ها و ارتباط میان مقوله‌های مختلف را نشان می‌دهد. در این پژوهش برای بررسی روایی، یافته‌های پژوهش را برای مشارکت‌کنندگان ارائه و دیدگاه‌های آن‌ها اعمال شده است. نتایج پایایی، زمانی قابل‌حسابرسی است که محقق دیگر بتواند مسیر تصمیم بکار رفته توسط محقق در طول مصاحبه را نشان دهد (نادری، بهرامی، و اسمعیلی، ۱۳۹۹: ۱۷۸-۱۵۹). پایایی داده‌ها نیز با نشان دادن مسیر تصمیمات و همچنین قرار دادن تمامی داده‌های خام، تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرآیند مطالعه، اهداف اولیه و سوال‌ها به محقق مورد اعتماد دیگری که از اساتید روان‌شناسی هستند سنجیده شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های تحقیق مبتنی بر روش نظریه داده‌بنیاد گردند تئوری و بر اساس تحلیل مصاحبه‌های عمیق با ۱۵ نفر از مادران و مربیان فعال در فضاهای کار اشتراکی مادر و کودک در مساجد ارائه شده است. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج شش مقوله اصلی و چندین خرده مقوله شد که در ادامه به تفکیک آمده‌اند. هر مقوله با نمونه‌هایی از گفت‌وگوهای مشارکت‌کنندگان و تحلیل پژوهشگر همراه شده است.

۱. ایجاد محیطی امن و یادگیرنده برای کودک

خرده مقوله‌ها: آموزش غیرمستقیم، بازی شاد، انس با فضای مسجد

مادر شماره ۳ بیان می‌کند: «اینکه بچه/م یاد می‌گیرد بدون اینکه چیزی را مستقیم بهش بگویند، مثلاً وقتی صدای اذان را می‌شنود و خودش می‌پرسد این چیه، خیلی برای من لذت‌بخشه.»

این آموزش‌های غیرمستقیم، فرصت خوبی برای شکل‌گیری مفاهیم دینی در ذهن کودک فراهم کرده است. همچنین فضای باز مسجد نسبت به مهدهای معمولی، امکان بازی و تحرک آزادانه بیشتری برای کودک ایجاد کرده است (مادر شماره ۱).

۲. هم‌زیستی مادر و کودک در یک فضای مشارکتی

خرده مقوله‌ها: حضور هم‌زمان مادر و کودک، کاهش اضطراب جدایی، حمایت از کودکان خاص
مادر شماره ۵ تجربه خود را این‌گونه توصیف می‌کند: «وقتی بچم کنارم بود، ولی در اتاق جدا مشغول بازی با بقیه، هم‌اون آرامش داشت، هم من تمرکز داشتم. انگار هر دومتون نفس راحت می‌کشیدیم.»

مادر شماره ۲ می‌گوید: «وقتی کنار مادرهای دیگه می‌شینم و بچم در اتاق کناری بازی می‌کنه، انگار بار سنگینی از دوشم برداشته میشه.»
این تجربه برای مادران کودکانی با نیازهای خاص هم مفید بوده است. (مادر شماره ۶): «بچه من بیش‌فعاله، ولی چون من نزدیکش هستم و مربی‌ها هم درک بالایی دارند، از پس موقعیت‌ها خوب برمیاد.»

۳. توانمندسازی و رشد فردی مادران

خرده مقوله‌ها: فرصت مطالعه، شرکت در کلاس، ارتقای سلامت روان
مادر شماره ۴ می‌گوید: «من افسردگی بعد زایمان داشتم، ولی اینکه اینجا با بقیه مامان‌ها صحبت می‌کنم و می‌تونم کارهای خودم رو هم انجام بدم، واقعاً بهم روحیه میده.» فضاهای اشتراکی فرصتی برای مادران فراهم کرده‌اند تا در کنار نقش مادری، به نیازهای شخصی و ذهنی خود نیز پاسخ دهند.
برگزاری کلاس‌های مهارتی و نشست‌های خودشناسی نیز به رشد مادران کمک کرده است (مربی شماره ۳).

۴. تقویت ارتباط اجتماعی و کنشگری محله‌ای

خرده مقوله‌ها: شبکه‌سازی مادران، فعالیت‌های خیریه، مشارکت در مراسم مذهبی
مادر شماره ۴ بیان می‌کند: «من هیچ وقت تو مسجد محل نبودم. ولی از وقتی با کاما آشنا شدم، هم نماز جماعت می‌رم، هم جلسات فرهنگی» این تجربه نشان می‌دهد که فضاهای کار اشتراکی نه تنها به مشارکت مادران در مسجد انجامیده بلکه باعث شکل‌گیری گروه‌های خودیار در محله نیز شده است (مادر شماره ۸).

۵. بازتعریف مسجد به عنوان فضای مادر و کودک

خرده مقوله‌ها: استفاده بهینه از امکانات، کاهش هزینه‌ها، مدل مسجد محور
بر اساس گفته مربی شماره ۲: «ما از ظرفیت بلااستفاده مسجد استفاده کردیم و با هزینه خیلی کمتر از مهد، کلی خدمات ارائه دادیم» این الگوی استفاده از فضاهای مذهبی، هم دسترسی را

افزایش داده و هم هزینه خدمات را برای خانواده‌ها کاهش داده است (مادر شماره ۹).

۶. تقویت ارزش‌های دینی و فرهنگی در ذهن کودک

خرده مقوله‌ها: انس با نماز، صدای اذان، معاشرت با نمازگزاران

مربی شماره ۴ توضیح می‌دهد: «وقتی بچه‌ها موقع نماز صدای اذان می‌شنوند و می‌پرسند این صدا چیه؟ یا وقتی یکی‌شون می‌گه منم می‌خوام مثل شما نماز بخونم، آدم احساس می‌کنه واقعاً تأثیر داره.»

مادر شماره ۳ نیز می‌گوید «یه بار دخترم گفت چرا همه مامان می‌رن نماز می‌خونن؟ منم دوست دارم بدونم نماز چیه». این نشانه‌ها بیانگر تأثیر تربیتی فضاهای معنوی در ذهن کودک است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که فضاهای اشتراکی مادر و کودک در مساجد نه تنها به ارتقای سلامت روان مادران، بلکه به رشد اجتماعی، معنوی و شناختی کودکان نیز کمک کرده است. از سوی دیگر، مسجد به عنوان نهاد فرهنگی و اجتماعی محله، نقش تازه‌ای در کنشگری اجتماعی مادران یافته است. این تجارب، الگویی قابل توسعه برای سایر محله‌ها و جوامع شهری در بازتعریف کارکردهای اجتماعی مسجد ارائه می‌دهد.

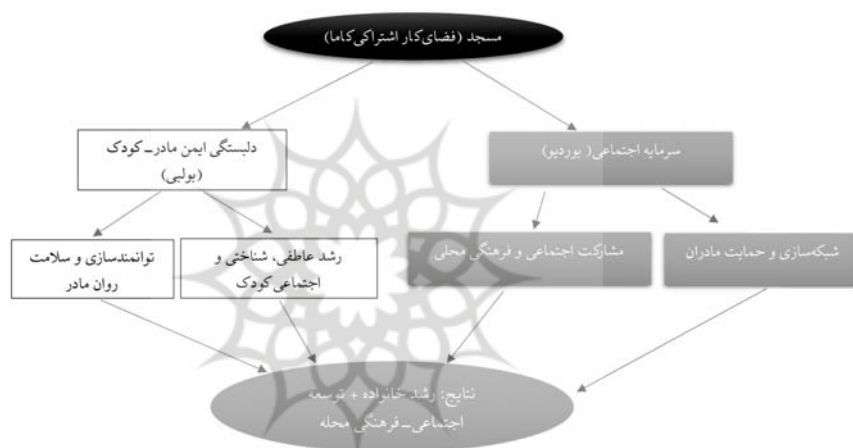
بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که علی‌رغم تفاوت در علل استفاده مادران از این فضا (تحصیل و فعالیت شخصی، کنشگری و فعالیت اجتماعی)، همه سوژه‌ها احساس رضایت نسبت به کاما دارند، آن‌ها نه تنها از این فرصت و رضایت کودکان - که ناشی از بودن فرزندان در این فضا است - راضی و خشنود هستند؛ بلکه شوق تعریف فعالیت بیشتری برای خود دارند و دیگران را نیز به استفاده از این بستر توصیه می‌کنند. رضایتمندی نیز به دو شکل ذهنی و عینی از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان استنباط می‌شود.

طراحی و اجرای برنامه‌های مفید و مهارت افزا برای مادران و کودکان متناسب با نیاز هر شعبه، سهولت دسترسی، جلوگیری از اضطراب جدایی در بچه‌ها، تدوین و اجرای دوره‌های تکمیلی آموزش مدیران و مربی‌ها برای اشتغال در فضای کار اشتراکی مادر و کودک کاما و از همه مهم‌تر شناسایی و تبیین راهکارهای گرایش و جذب خانواده‌ها به مساجد از مقوله‌های یافت شده در تجربه زیسته افراد مورد مطالعه است. لازم به ذکر است، یافته‌ها از طریق گروهی از خبرگان متخصص روان‌شناس، اعتبارسنجی شد و ترویج فرهنگ برخورد و تعامل شایسته با کودک بین اهالی مسجد، برگزاری مطلوب جشن‌های

مناسبتی به منظور هویت‌یابی و ایجاد تعلق نسبت به مسجد و الگوی مطلوب نگهداری کودکان به منظور حفظ آرامش خاطر کودکان در زمان حضور در کاما و آرامش مادران و نمازگزاران در ساعات برپایی نماز جماعت و مراسم‌های مسجد، مقوله‌های دیگری بود که از مصاحبه‌های صورت‌گرفته استخراج شد.

همان‌طور که مدل مفهومی «کاما» در شکل ۱ نشان می‌دهد فضاهای کار اشتراکی مادر و کودک در مساجد (کاما) نه تنها در سطح فردی موجب بهبود دلبستگی ایمن و رشد مادر-کودک می‌شوند، بلکه در سطح اجتماعی نیز بستر تقویت سرمایه اجتماعی، ارتقای همبستگی محلی و مشارکت اجتماعی-فرهنگی را فراهم می‌آورند.



شکل ۱. مدل مفهومی اثربخشی فضای کار اشتراکی مادر و کودک کاما در مساجد محلات

مسجد تراز اسلامی در تعامل با کودک، مسجدی است که در آن، کودک مورد توجه بوده و همه عناصر مدیریتی، تربیتی، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری آن، توجه ویژه‌ای به این قشر به عنوان آینده‌سازان امت اسلامی داشته باشند (هادی، ۱۳۹۷: ۳۵)؛ اما متأسفانه در برخی از مساجد، آسیب‌های اختصاصی در حوزه تعامل مسجد با کودکان و نوجوانان که با برخی ائمه جماعت ارتباط دارد، شامل عدم درک ضرورت حضور کودکان و نوجوانان در مسجد، ضعف مهارت ارتباطی در تعامل با کودکان و نوجوانان، ضعف حضور و نبود جایگاه تربیتی نظارتی در برنامه‌های تشکلهای مسجدی، ناتوانی در جذب کودکان و نوجوانان به دلایلی همچون کبر سن، ناآشنایی با اقتضائات و مسائل کودکی و نوجوانی و فقدان خصوصیات جذاب برای کودکان و نوجوانان و... دیده می‌شود (هادی، ۱۳۹۷: ۲۰). برقراری کاما در

مساجد، سبب گفتمان‌سازی و ترویج فرهنگ اهمیت به تربیت اسلامی کودکان بین افراد محله به‌ویژه اهالی مسجد نیز می‌گردد و تا حدودی مانع اکثریت آسیب‌های ذکر شده می‌شود. در پژوهش‌های آتی؛ می‌توان به تأثیر وجود فضاهای مشابه و تعریف فعالیت برای نوجوانان در مساجد پرداخت و نیز تبیین و ترویج الگوها و روش‌های مناسب در راستای رشد دینی نوجوانان علاوه بر کودکان در مسجد با در نظر گرفتن اقتضائات سنی و جنسیتی‌شان را در دستور کار بررسی و پژوهش قرار داد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.



منابع و مأخذ

- امام موسوی خمینی (ره)، سید روح‌الله (۱۳۵۹). متن سخنرانی ۱۳۵۹/۴/۲۰.
- خادمی، مریم، اعلمی، زینب و عاطفه مرادی (۱۴۰۲). تجربه زیسته مادران تحصیل‌کرده دین‌مدار از کنشگری اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، ۶(۶۱)، ۹۹-۱۳۴. Doi: 10.22034/jsfc.2022.286742.2263
- صادقی، رسول و زهرا شهابی (۱۳۹۸). تعارض کار و مادری: تجربه گذار به مادری زنان شاغل در شهر تهران، جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۰(۱)، ۹۱-۱۰۴. Doi: 2018.106988.1197/jas. 10.22108
- کرمی، مهنوش، روشنی، شهره و منصوره زارعیان (۱۴۰۱). تجربه زیسته زنان از چالش‌های مادری در فضای شهری، مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، ۱۲(۴۲)، ۱۹۹-۲۳۶. Doi: 10.0495/uss.2022.693076
- نادری، سمیه، بهرامی، شهاب و محسن اسمعیلی (۱۳۹۹). ارائه راهکارهای بهبود اثربخشی روش تدریس ورزش در مدارس ابتدایی ایران با رویکرد گراند تئوری. پژوهش در ورزش تربیتی، ۸(۲۰)، ۱۷۸-۱۵۹. Doi:10.22089/res.2019.7775.1723
- هادی، محسن (۱۳۹۷). سند تعامل مطلوب مسجد با کودک و نوجوان، اسناد راهبردی مدیریت مسجد، انتشارات مرکز رسیدگی به امور مساجد، پاییز، چاپ اول. www.masjed.ir
- Ataol, Ö. Krishnamurthy, S. Druta, O. & van Wesemael, P. (2022). *Towards inclusive urban environments for infants and toddlers: Assessing four urban neighbourhoods in Istanbul with mothers*. *Children & Society*, 00, 1-17. Doi: 10.1111/chso.12566
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital, in J. G. Richardson, handbook of *theory and research for sociology of education*. Greenwood Press, New York.
- Bowlby, J. (1988). *A secure base: Parent-child attachment and healthy human development*. Basic Books.
- Corbin, J., Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research*. 3rd ed. Thousand Oaks, CA: Sage Publications. Doi: 10.1177/1094428108324514
- Giddens, A. (2006). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Polity Press.
- Hadi, Mohsen. *Document on optimal interaction of mosques with children and adolescents*. Mosque Affairs Center, First Edition, Autumn 2018. www.masjed.ir. [In Persian]
- Higgins, C. Duxbury, L. and Johnson, K. (2004). *Exploring the Link Between Work-Life Conflict and Demands on Canada's Health Care System (Report Three)*, Health Canada Ottawa.
- Imam Musavi Khomeini (RA), Seyyed Roohollah. (1980). Text of the speech on 20/4/1980. [In Persian]
- Karami, Mahnoush; Rouhsani, Shahre; and Zarehian, Mansoureh. (2023). *Women's lived experiences of the challenges of motherhood in urban spaces*. *Urban Sociological Studies (Urban Studies)*, 12(42). DOI: 10.30495/uss.2022.693076 [In Persian]
- Khademi, Maryam; Alami, Zeynab; and Moradi, Atefeh. (2023). *The lived experience of educated religious mothers regarding social activism*. *Scientific Research Quarterly Journal of Cultural Strategy*, 6(61), 99-134. DOI: 10.22034/jsfc.2022.286742.2263 [In Persian]

Naderi, Somayeh; Bahrami, Shahab; and Esmacili, Mohsen. (2020). *Proposing strategies to enhance the effectiveness of sports teaching methods in Iranian primary schools using grounded theory approach*. Research in Educational Kinesiology, 8(20): 178-159. DOI: 10.22089/res.2019.7775.1723
[In Persian]

Sadeghi, Rasool and Shahabi, Zahra. (2019). *The conflict between work and motherhood: The transition experiences of working mothers in Tehran*. Applied Sociology, 30(1), 91-104. DOI: 10.22108/jas.2018.106988.1197 **[In Persian]**

Shonkoff, J. P., & Phillips, D. A. (Eds.). (2000). *From Neurons to Neighborhoods: The Science of Early Childhood Development*. National Academy Press. DOI:10.17226/9824



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

